



دوشنبه ۲۷ مرداد ۱۴۰۴

وطن‌امروز | شماره ۴۳۹۲

سیاسی

اخبار

سخنگوی حزب اصلاح‌طلب ندا:

بایبانیه‌اخیر جبهه‌اصلاحات‌مخالفیم



سخنگوی حزب اصلاح‌طلب ندای ایرانیان با اشاره به مخالفت این حزب با بیبانیه‌اخیر جبهه‌اصلاحات، گفت: اصول‌حزب ندای ایرانیان با دادن چنین بیبانیه‌هایی از سوی جبهه‌اصلاحات‌مخالف‌است.سعيدنورمحمدی،سخنگوی حزب‌اصلاح‌طلب‌ندای ایرانیان در گفت‌وگو با فارس ضمن اشاره به مخالفت این حزب با بیبانیه‌اخیر جبهه‌اصلاحات، گفت:اصول‌حزب ندای ایرانیان با دادن چنین بیبانیه‌هایی از سوی جبهه‌اصلاحات‌مخالف‌است و در جلسات جبهه نیز به‌ص‌دور آنها رای منفی می‌دهد. وی با اشاره به اینکه‌ص‌دور چنین بیبانیه‌هایی به‌صلاح‌کش‌ور نیست، گفت:ما معتقدیم با این مدل بیبانیه‌ها نه تنها گرهی از مشکلات‌کش‌ور باز نمی‌ش‌ود، بلکه به‌تنش‌ها و دوگانه‌سازی‌هایی دامن می‌زند که نفع مردم‌و‌کش‌ور در آن نیست.سخنگوی حزب ندای ایرانیان در پایان گفت‌همچنان به‌روش‌های روزنه‌گشایانه و وفای گرایانه معتقدیم.

■ ■ ■

سیاه:

ملت‌های منطقه اشغالگران را

از سرزمین‌های خودبیرون خواهند‌راند

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیبانیهای به مناسبت ۲۶ مرداد، سالروز ورود آزادگان به‌کش‌ور تاکید کرد:ملت ایران آماده در هم شکستن جبهه هر متجاوز و هر نقشه شوم علیه امنیت و آینده سرزمین خود است. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیبانیه‌ای به مناسبت ۲۶ مرداد، سالروز ورود آزادگان سرافراز به میهن اسلامی، ضمن گرامیداشت این روز تاکید کرده است: آزادگان عزیز، نماد حقیقی مقاومت فعال و امید راهبردی هستند؛ همان حقیقتی که در دفاع‌مقدس ۸ ساله و ۱۲ روزه، نیز جبهه مقاومت فلسطین، همچنین میدان‌های شکست‌ناپذیر پیاپی رژیم صهیونیستی و حامیان آمریکایی‌اش در منطقه جلوه کرده است. تجربه نایب آنان اثبات کرد قدرت ایمان، وحدت ملی و استقامت انقلابی می‌تواند بزرگ‌ترین ماشین‌های جنگی و سیاست‌های سلطه‌گرانه را به زانو درآورد.

■ ■ ■

لاریجانی:

نباید بگذاریم‌کش‌ور‌های‌سوم‌در امنیت ایران و عراق خلل ایجاد کنند



دبیر شورای عالی امنیت ملی کشورمان در گفت‌وگویی با برنامه «تهران، تل ل‌ویو» با اشاره به امضای توافقنامه امنیتی میان ایران و عراق گفت:نباید بگذاریم‌کش‌ورهای سوم در وفاق و امنیت ۲‌کش‌ور خللی ایجاد کنند و یک سرزمین یک‌کش‌ور علیه‌کش‌ور دیگر استفاده شود. یکی از مسؤ‌ولان‌کش‌ورهای منطقه می‌گفت روز اول جنگ نتایج‌و‌ها من تماس گرفت و گفت کار ایران تمام شد؛ روز چهارم با پنجم جنگ من تماس گرفتم و به او گفتن وضع‌تان چطور است؟ گفت خیلی مشکل داریم! استراتژی و نوع حرکت نظامی ایران در مقابله با اسرائیل یک دستاورد بود. لاریجانی در پاسخ به این پرسش که «در جنگ ۱۲ روزه آمریکا و اسرائیل علیه ایران از آسمان برخی‌کش‌ورها علیه‌کش‌ورمان استفاده شد، آیا در این توافق این مساله دیده شده است؟» گفت: مبنای این مساله در این توافق است اما‌کش‌ورها ملاحظاتی دارند، از این نظر که گاهی امکان جلوگیری از رخنه برای‌شان مهیا نیست که البته باید اشکالات‌شان را رفع کنند.

دبیر شورای عالی امنیت ملی درباره فضای امنیتی فعلی منطقه با آنچه در ۲ دهه پیش بوده است، با طرح این پرسش که «حوادث ۲ ماه‌اخیر ب‌ویژه جنگ اسرائیل و آمریکا علیه ما یک نمونه منحصربه‌فرد است یا در یک زنجیره از تحولات و حوادث باید آن را ببینیم؟» اظهار کرد: از یک منظر این حوادث در قالب یک تجربه بوده است، یعنی رفتار آنها همواره ایجاد شرارت در منطقه بوده است. هیلاری کلینتون، وزیر وقت خارجه آمریکا در اظهاراتی گفته بود ما خودمان داعش را ایجاد کردیم؛ چرا این کار را کردند؟ چون می‌خواستند ۲‌کش‌ور ایران و عراق را با مشکل مواجه کنند یا اختلافات شیعه و سنی را برجسته کنند. ب‌ویژه در بین عشایر عراقی که شیعه و سنی با هم زندگی می‌کنند، این در حالی است که اینها سال‌هاست در کنار هم زندگی می‌کنند ولی این را چنان بزرگ می‌کردند که ایجاد تفرقه کنند، البته در این مساله برخی‌کش‌ورهای منطقه هم دخالت داشتند اما مصافی که این بار شکل گرفت، مثل قبل نب‌ود؛ کاملاً رخ به رخ شدیم. آمریکایی‌ها همیشه پشت مسائل و اقدامات در منطقه پنهان می‌شدند اما این بار خودشان به صحنه آمدند. وزیر دفاع‌شان به صراحت دستور بمباران داد و پنتاگون اعلام کرد ۱۰ سال روی این حمله کار کرده بودیم. وی ادامه داد: از دیگر اتفاقات حوادث اخیر این بود که دشمن تصور می‌کرد‌کش‌ورهای اسلامی به خاطر برخی اختلافات یا محافظه‌کارایی که دارند، به سمت ایران نمی‌آیند و ایران منزوی می‌ش‌ود اما‌کش‌ورهای اسلامی – هم‌دولت‌ها و هم ملت‌های‌شان – پشت این‌ها آمدند، البته اروپایی‌ها سمت آمریکا و اسرائیل رفتند. این درباره نحوه مقابله نیروهای مسلح ایران با دشمن که تصور می‌کردند آنها بیشترین امکان پدافندی را داشتند اما باران موشک‌های ایران در نیمه جنگ کاملاً آنها را مستاصل کرده بود.

گزارشی در باره برنامه رژیم صهیونیستی برای فعال سازی ظرفیت منافقین و تجزیه‌طلبان علیه ایران

دکترین تجزیه



مانند پژاک، کومله و جیش‌الظلم، به دلیل سازمان‌یافتگی و سابقه فعالیت‌های مسلحانه علیه ایران، می‌توانند به عنوان بازوهای نیابتی اسرائیل عمل کنند. این نشریه به صراحت پیشنهاد داد اسرائیل باید از «صرف حرف زدن با مردم ایران» فراتر رود و به تسلیح و پشتیبانی لجستیکی این گروه‌ها بپردازد تا آنها را به ابزارهایی مؤثر برای بی‌ثبات‌سازی ایران تبدیل کند. متن منتشر شده در نیوزویک، نشان‌دهنده یک تغییر پارادایم در استراتژی اسرائیل بود: از تلاش برای جلب حمایت مردمی به سمت استفاده مستقیم از گروه‌های مسلح برای ایجاد آشوب. این رویکرد تنها چند روز بعد با اظهارات یائیر نتانیا‌هو، پسر نخست‌وزیر رژیم، تأیید شد. وی در پستی در شبکه اجتماعی ایکس، به‌طور علنی از ایده «کردستان واحد» حمایت کرد و به‌طور خاص به گروهک‌های کرد تجزیه‌طلب مانند پژاک و حزب دموکرات کردستان ایران اشاره کرد می‌توانند علیه ایران فعال شوند. این اظهارات نشان‌دهنده سیاست آشکار اسرائیل برای بهره‌برداری از گسل‌های قومیتی در ایران بود. این تأیید کرد اسرائیل بر حمایت از این گروه‌ها، به‌طور ضمنی تأیید کرد اسرائیل برنامه‌ای مدون برای استفاده از آنها به عنوان ابزارهایی برای تضعیف موجودیت ایران دارد. این موضوع گیری که در ادامه دکترین «اتحاد‌های پیرامونی» قرار می‌گیرد، نشان‌دهنده تلاش اسرائیل برای ایجاد شکاف‌های قومی مذهبی در ایران و مشغول کردن تهران به مسائل داخلی است؛ مشابه آنچه اخیراً در سوریه رخ داد.

اخیراً نیز روزنامه تایمز اسرائیل – یکی از برجسته‌ترین رسانه‌های این رژیم – در گزارشی جامع به همکاری عمیق و طولانی‌مدت سازمان جاسوسی موساد با منافقین پرداخت، این گزارش که منافقین را به عنوان «منف‌ورترین گروه در

بزرگ‌تر بود؛ آماده‌سازی مسیر برای ورود گروه‌های مسلح تروریست از مرزهای غرب به داخل ایران. این گروه‌ها شامل تجزیه‌طلبان کرد مانند پژاک، حزب دموکرات کردستان ایران و کومله، همچنین گروه‌های تکفیری مانند جیش‌القللم در جنوب شرق‌کش‌ور، آمده بودند با نفوذ به خاک ایران، یک جنگ داخلی و ارضی را کلید بزنند. این تاکتیک به‌طور رفتند اما در نهایت با طراحی عملیات مرصاد توسط نیرو‌طلب مسلح ایران، شکست خوردند. جنگ ۱۲ روزه نیز نشان‌دهنده تکرار این الگو بود، با این تفاوت که این بار اسرائیل، به عنوان حامی اصلی گروهک‌های نیابتی، نقش محوری را ایفا کرد و هدفش نه تنها تضعیف توان نظامی ایران، بلکه هموار کردن مسیر برای گروهک‌های تروریست، تجزیه‌طلب و تکفیری بود تا ایران را به هرج و مرج داخلی بکشانند.

چند هفته پس از توقف جنگ ۱۲ روزه، نشریه نیوزویک در گزارشی که به‌وضوح از تحلیل‌ها و نظرات کارشناسان صهیونیست و غربی، از جمله «رن لپ‌لو» و «هف‌را بن‌حیو» بهره برد، این سوال را مطرح کرد: «اسرائیل چگونه می‌تواند از اختلافات قومی ایران برای درگیر کردن آن در یک جنگ داخلی بهره ببرد؟» این گزارش به‌طور خاص به پتانسیل گروهک‌های تجزیه‌طلب در مناطق کردنشین شمال غرب و جنوب شرق ایران اشاره داشت. نیوزویک تأکید کرد گروه‌هایی

سند بطلان

به هر حال، یکی دیگر از مواردی که تصورات و دیدگاه‌های غرب‌گرایان داخلی، اعم از اصلاح‌طلبان و حسن روحانی را بی‌اعتبار کرد، اهمیت جبهه مقاومت در ارتقای توان بازدارندگی ایران بود. به همین خاطر، این موضوع نیز جزو مواردی است که این افراد و این جریان باید به‌خاطر آن عذرخواهی کنند.

■ **مردم می‌دانند: خودتان را اصلاح کنید**

یکی از گزاره‌های مهم درباره همبستگی و انسجام ملی شکل گرفته در خلال جنگ ۱۲ روزه و پس از آن، واقع‌گرایی افکار عمومی نسبت به مقوله امنیت و همین‌طور سیاست خارجی است. کاملاً پیداست مردم پس از وقوع جنگ، تا حدود زیادی به درستی سیاست‌های جمهوری اسلامی در قبال غرب و همین‌طور تقویت بنیه دفاعی‌کش‌ور پی برده‌اند. این موضوعی است که حتی معتبرترین ژورنال‌های دنیا نیز به آن توجه نشان داده‌اند. به عنوان نمونه فارن پالیسی در هفته‌های اخیر مقاله‌ای بسیار مهم منتشر کرد. در این مقابله تصریح شده بود جوانان ایرانی که طی ۲ دهه اخیر نسبت به سیاست‌ها و شعارهای جمهوری اسلامی، ب‌ویژه در حوزه سیاست خارجی، بی‌اعتقاد شده بودند و حتی نسبت به این سیاست‌ها و مبانی نظری آن انتقاد داشتند، پس از جنگ ۱۲ روزه و آشکار شدن واقعیت‌های آمریکا و غرب، نه‌تنها نسبت به درستی سیاست‌های جمهوری اسلامی پی بردند، بلکه اکنون ضمن فقدان‌ری از دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای، خواستار تقویت و تحکیم این دیدگاه‌ها ب‌ویژه تقویت جبهه مقاومت شدند. مقاله فارن پالیسی البته در همه رسانه‌های اصلاح‌طلب و حامیان روحانی سانسور شد اما این واقعیتی نیست که آنها بتوانند منکر آن شوند.

منطقه‌ای ایران منتقد بود. کما اینکه در مذاکرات منتهی به برجام نیز حامیان دولت روحانی خواستار آن بودند ایران سیاست‌های خود در قبال مقاومت را تغییر دهد تا مذاکره به نتیجه برسد. این‌ها اساساً همان جریان «نه غزه، نه لبنان» بودند که به صورت رسمی و علنی خواستار عدم حمایت ایران از مقاومت شدند. در جریان جنگ سوریه و حضور ایران و جبهه مقاومت برای تاراندن تروریست‌ها، مقامات دولت حسن روحانی و نزدیکانش بارها از این سیاست ایران انتقاد کرده و مدعی بودند ایران باید در سیاست‌های منطقه‌ای خود ب‌ویژه درباره مقاومت تجدیدنظر کند. آنها همچنین مدعی بودند حمایت ایران از مقاومت دیگر از دلایل تقلیل آمریکا علیه ایران است و برای عادی‌سازی روابط با آمریکا، جبهه مقایمت هم باید در کنار برنامه هسته‌ای و موشکی، روی میز گذاشته شود.

اما، در جنگ محتملی در منطقه بود. پس از نزدیک به ۲ سال نبرد نا‌عادلانه، رژیم صهیونیستی توانست رهبران و فرماندهان مقاومت در غزه و لبنان را به شهادت برساند در سوریه نیز با سقوط اسد، رژیم صهیونی احساس کرد به تعبیر خود حلقه آتش پیرامونی‌اش تضعیف شده است. پس از آن بود که موضوع حمله به ایران جدی شد. نتایج‌و‌ها بارها مدعی شده بود وضعیت جبهه مقاومت در غزه، لبنان و سوریه باعث شد شرایط برای حمله به ایران فراهم شود. بنابراین کاملاً پیداست دلیل اصلی حمله رژیم صهیونیستی به ایران، وضعیت متفاوت جبهه مقاومت نسبت به گذشته بود. در زمان سقوط پ‌هپاد آمریکایی، قطعاً وضعیت جبهه مقاومت در جلوگیری از این حمله مؤثر بود و عدم حمله اساساً هیچ ربطی به روحانی نداشته است.



■ **این هم نه غزه، نه لبنان**

غیر از افشای ماهیت دشمنی غرب با ایران، یکی دیگر از واقعیت‌های بسیار مهمی که در جنگ اخیر برای همه ب‌ویژه مردم ثابت شد و نقش بسیار مهمی در واقع‌بینانه شدن نگرش مردم داشت، تأثیر سیاست‌های منطقه‌ای ایران ب‌ویژه جبهه مقاومت در توان بازدارندگی ایران بود. حسن روحانی در اظهارات اخیر خود مدعی شد در چند مقطع ب‌ویژه پس از سقوط پ‌هپاد گ‌لوبال هاوک، احتمال جنگ بسیار زیاد شده بود. او در واقع می‌خواست این ادعا را مطرح کند که سیاست‌های او مانع جنگ شد اما واقعیت این است که یکی از مهم‌ترین عواملی که باعث جنگ علیه ایران شد، وضعیت جبهه مقاومت در منطقه بود.

پس از نزدیک به ۲ سال نبرد نا‌عادلانه، رژیم صهیونیستی توانست رهبران و فرماندهان مقاومت در غزه و لبنان را به شهادت برساند در سوریه نیز با سقوط اسد، رژیم صهیونی احساس کرد به تعبیر خود حلقه آتش پیرامونی‌اش تضعیف شده است. پس از آن بود که موضوع حمله به ایران جدی شد. نتایج‌و‌ها بارها مدعی شده بود وضعیت جبهه مقاومت در غزه، لبنان و سوریه باعث شد شرایط برای حمله به ایران فراهم شود.

بنابراین کاملاً پیداست دلیل اصلی حمله رژیم صهیونیستی به ایران، وضعیت متفاوت جبهه مقاومت نسبت به گذشته بود. در زمان سقوط پ‌هپاد آمریکایی، قطعاً وضعیت جبهه مقاومت در جلوگیری از این حمله مؤثر بود و عدم حمله اساساً هیچ ربطی به روحانی نداشته است.

نکنه دیگر اینکه، همین دولت روحانی نسبت به سیاست‌های

ادامه از صفحه اول

۱- متن بیبانیه به ایران پیشنهاد می‌کند ترک تخاصم کند! گویی ایران تخاصم را آغاز کرده و واقعیتی که اصلاح‌طلبان باید با آن کنار بیابند این است که درست در زمان استقرار یک دولت اصلاح‌طلب حداکثری و درست در میان مذاکرات به عنوان ایده کانونی این جریان برای مشکلات ایران، این دشمن بود که دست به ماشه برد و ما این حمله کرد. تخاصم از سوی دشمن آغاز شد و امروز مذاکره، این دشمن را از ادامه تخاصم باز نمی‌دارد، بلکه توان دفاعی‌کش‌ور است که تخاصم دشمن را متوقف کرده و توسعه توان دفاعی است که توقف تخاصم را به معادله بازدارندگی باز خواهد گرداند. اصلاح‌طلبان باید از درک رمانتیک خود از جهان دست بردارند و فکر نکنند امضای تعهد ترک مخاصمه نظیر پیشنهاد اخیر آقای ظریف، دشمن را از حمله باز می‌دارد، بلکه علاج در توسعه توان دفاعی‌کش‌ور است، راه علاجی که در هیچ‌یک



ادامه از صفحه اول

۱- متن بیبانیه به ایران پیشنهاد می‌کند ترک تخاصم کند! گویی ایران تخاصم را آغاز کرده و واقعیتی که اصلاح‌طلبان باید با آن کنار بیابند این است که درست در زمان استقرار یک دولت اصلاح‌طلب حداکثری و درست در میان مذاکرات به عنوان ایده کانونی این جریان برای مشکلات ایران، این دشمن بود که دست به ماشه برد و ما این حمله کرد. تخاصم از سوی دشمن آغاز شد و امروز مذاکره، این دشمن را از ادامه تخاصم باز نمی‌دارد، بلکه توان دفاعی‌کش‌ور است که تخاصم دشمن را متوقف کرده و توسعه توان دفاعی است که توقف تخاصم را به معادله بازدارندگی باز خواهد گرداند. اصلاح‌طلبان باید از درک رمانتیک خود از جهان دست بردارند و فکر نکنند امضای تعهد ترک مخاصمه نظیر پیشنهاد اخیر آقای ظریف، دشمن را از حمله باز می‌دارد، بلکه علاج در توسعه توان دفاعی‌کش‌ور است، راه علاجی که در هیچ‌یک

گزارشی در باره برنامه رژیم صهیونیستی برای فعال سازی ظرفیت منافقین و تجزیه‌طلبان علیه ایران

دکترین تجزیه

میان ایرانیان» توصیف می‌کند، اذعان دارد این سازمان به دلیل همکاری با صدام در جنگ ایران و عراق فاقد حمایت مردمی در ایران است. با این حال، تایمز اسرائیل تأکید می‌کند منافقین به دلیل سازمان‌یافتگی و توانایی‌های عملیاتی خود، به ابزاری کلیدی برای اسرائیل تبدیل شده‌اند. رسانه صهیونیستی جزئیات همکاری منافقین و موساد را اینطور شرح می‌دهد: از افزایش تأسیسات هسته‌ای نظنز و اراک در سال ۲۰۰۲ که بعداً تأیید شد از منابع اسرائیلی به دست آمده بود، تا فعالیت‌های پیچیده در جنگ ۱۲ روزه. منافقین با ایجاد «خانه‌های تیمی» در تهران، ساخت سلاح‌های دست‌ساز مانند لانچرها و خمپاره‌های دستی و انجام فعالیت‌های تبلیغاتی و اطلاعاتی، به نیروهای اسرائیلی کمک کردند حملات دقیقی به زیرساخت‌های حساس ایران، از جمله بیمارستان فارابی کرمانشاه انجام دهند. نویسنده همچنین به نقش منافقین در ترور دانشمندان هسته‌ای ایران اشاره و تأیید می‌کند این گروه «توسط سرویس مخفی اسرائیل تأمین مالی، آموزش دیده و مسلح شده» تا این عملیات را انجام دهد. رسانه صهیونیستی در ادامه به صراحت توصیه می‌کند با وجود آگاهی از واکنش‌های منفی گسترده در ایران و سطح بین‌المللی، اسرائیل باید رابطه خود با منافقین را از همکاری مخفی به یک مشارکت استراتژیک رسمی ارتقا دهد؛ پیشنهادی که نشان‌دهنده یک اولویت‌بندی عمل گرایانه است. اسرائیل به دلیل ناتوانی سلطنت‌طلبان و ربع پهلوی در ارائه ظرفیت‌های عملیاتی، به گروه‌هایی مانند منافقین رو آورده که با وجود عدم محبوبیت، توانایی و سابقه انجام عملیات خرابکارانه و جمع‌آوری اطلاعات را دارند.

هدف اصلی این راهبرد که در گزارش‌های تایمز اسرائیل، نیوزویک و اظهارات مقامات صهیونیست به وضوح دیده می‌شود، نه‌تنها براندازی جمهوری اسلامی، بلکه تهدید موجودیت ایران به عنوان یک‌کش‌ور یکپارچه است. در همین رابطه پروف‌سور «جان مرشایمر» تحلیلگر برجسته روابط بین‌الملل، در تحلیل‌های خود درباره رویارویی ایران و اسرائیل تأکید کرده است اسرائیل به دنبال تجزیه ایران مشابه آنچه در سوریه رخ داد، است.

حملات اخیر پژاک به مرزبانان ایرانی در مناطق مرزی غرب‌کش‌ور و عملیات‌های جیش‌الظلم در سیستان و بلوچستان، نشانه‌هایی از اجرای این استراتژی است. این گروهک‌ها که به دلیل حمایت‌های اسرائیل و برخی‌کش‌ورهای غرب، توانایی‌های نظامی محدودی به دست آورده‌اند، تلاش دارند با ایجاد ناامنی در مناطق مرزی، ایران را درگیر بحران داخلی کنند. آنطور که از شواهد و البته مطلب اخیر تایمز اسرائیل برمی‌آید، رژیم صهیونیستی با حمایت از این گروهک‌ها و البته تقویت پشتیبانی از منافقین و تعریف پروژه برای سلطنت‌طلبان، تمام ابزارهای ممکن را برای تضعیف موجودیت ایران به کار گرفته است. این رویکرد نشان‌دهنده یک جنگ تمدنی است که هدف آن برخلاف القای جریان رسانه‌های ضد ایرانی، نه تغییر ماهیت سیاسی، بلکه تجزیه ایران به چند کشور کوچک ضعیف است.

این جنگ، علیه هویت ملی و تمدنی ایران است. اسرائیل ایران واحد و قوی را تهدیدی مستقیم برای هم‌زونی خود در غرب آسیا می‌داند و تا زمانی که سروشنشی مشابه سوریه کنونی برای ایران رقم نزنند، این جنگ هویتی ادامه خواهد داشت.

راه مردم و صدای مردم کاملاً مشخص است. مردم بسیاری از واقعیات را فهمیده‌اند. ب‌ویژه یک نگرش کاملاً واقع‌بینانه نسبت به مسائل اصلی ۲ دهه اخیر ایران پیدا کرده‌اند؛ همان مسائلی که امثال روحانی و اصلاح‌طلبان با طرح ایده مذاکره توانستند به قدرت برسانند.

واقعیت اما این است که جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، همه ایده‌ها و پیشنهادهات امثال روحانی درباره گشایش اقتصادی را بی‌اعتبار کرد. نه‌تنها مشخص شد آن سیاست‌ها باعث پ‌هپود وضعیت اقتصاد نشده است، بلکه ثابت شد آن ایده‌ها خلاف امنیت ملی و زمینه‌ساز جنگ نیز بوده است.

بنابراین واقعیت این است یکی از مهم‌ترین تجربیات و درس‌های جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، بی‌اعتبار شدن جریان اصلاح‌طلب و امثال آقای روحانی است. روحانی طی ۱۲ سال گذشته صرفاً یک ایده‌پرداز بوده و آن مذاکره با غرب و جلب رضایت آن از طریق عقب‌نشینی نسبت به برخی مولفه‌های دفاعی و بازدارندگی ایران بوده است. در واقع ریشه مواضع و ایده‌های روحانی دست بردن به جیب امنیت و قدرت دفاعی برای اقتصاد بود. ایده‌ای که مشخص شد از اساس اشتباه و پرهزینه بود. به عبارتی جنگ معلوم کرد امثال حسن روحانی و اصلاح‌طلبان واقعیت دنیا را نفهمیده‌اند.

در چنین شرایطی، آیا آنها نباید از گذشته خود درس گرفته و در قبال مواضع و سیاست‌های گذشته خود تجدیدنظر کنند؟ قطعاً آنها نیاز جدی به بازنگری در مواضع و سیاست‌های خود دارند. به جای طلبکار شدن و توصیه به نظامی که جنگ، درستی مواضع و دیدگاه‌هایش را ثابت کرد، قطعاً لازم است آنها مواضع غلط و هزینه‌ساز خود را اصلاح کنند؛ البته پس از عذرخواهی از مردم و نظام به‌خاطر گذشته غلط و بسیار خسارت‌بار.

آنان را از صحنه سیاست کنار گذاشت. امید که اصلاح‌طلبان به آن ماجرا به عنوان درس عبرت بنگرند. ۴- بیبانیه این جبهه به نحوی از «مکانیزم ماشه» لولوسازی می‌کند و خرفان تجزیه شیوه حکمرانی‌کش‌ور به میان می‌کشد که انگار نه انگار «مکانیزم ماشه» دست‌پخت خود این جریان برای ایران است؛ اشی که دست‌پخت یک کارمند اروپایی برای ایران بود و آقای ظریف و رئیس‌جمهور وقت جز آنکه روغنش را تهیه کنند، کاری نکرده‌اند با لحاظ این واقعیت مغفول مهم، به نظر می‌رسد یکی از کارهای اساسی که در جریان جنگ در روندها و نیرو‌هایی که ایران را در این موقعیت قرار داده‌اند باید بازنگری شود. سوال این است: این بیبانیه از این نکته مهم و غیرقابل اغماض چرا سهل‌انگارانه عبور می‌کند؟ ایران امروز بیش از همیشه نیاز به سلطولیت‌پذیری دارد. بهتر است نیروهای اصلاح‌طلب سلطولیت خود را در شرایط حاضر پذیرا باشند و با لحاظ امر ملی به جای امر سیاسی به رفتار و عمل خود جهت دهند تا به سرنوشت نهضت آزادی دچار نشوند.